

افکار عمومی اعراب، بررسی نظرسنجی در شش کشور عربی

۱۶ مارس ۲۰۰۳، یکشنبه،

سان سن خوزه مکزوری

ترجمه: علی رستمی

اردنی ها و مراکشی ها و ۱۳ درصد
مصری ها اظهار داشتند که به آمریکا نظر
مثبتی دارند. در اغلب این کشورها اکثریت
اظهار می داشتند که نگرش آنها بیشتر
بر اساس سیاستهای آمریکا شکل گرفته است
تا ارزشهای عربی.

شما می توانید عمده آرا را به مثابه
نوعی مبارزه طلبی نسبت به سیاست آمریکا
تلقی کنید. ژاک شیراک، رییس جمهوری
فرانسه که تلاش بسیاری را برای خنثی
کردن تلاشهای ایالات متحده برای جلب
نظر سازمان برای جنگ به کار برد، بارها از
سوی مصری ها، مراکشی ها و لبنانی ها به
عنوان قابل تحسین ترین رهبر جهانی
قلمداد می شود، و هنگامی که از رأی
دهندگان خواسته شد تا گروهی از رهبران
جهانی گذشته و حال را رتبه بندی کنند،
جمال عبدالناصر، رییس جمهور فقید مصر،
به عنوان یک نماد ناسیونالیسم و ضد
امپریالیسم در خاورمیانه قابل تمجیدترین
فرد انتخاب شد، و نلسون ماندلا که اخیراً به
انتقاد از سیاستهای ایالات متحده پرداخته
است، در اغلب کشورها مقام دوم را
کسب کرد.

در روابط میان آمریکا و دنیای عرب
موارد استهزا آمیز کم نیست. دولتهای عرب
در کشورهای کلیدی همانند
عربستان سعودی و مصر و اردن به آرامی با
ایالات متحده آمریکا در فراهم سازی
تدارکات برای جنگ با عراق همکاری
می کردند، و این در حالی بود که عمده
کشورهای غرب در اروپا و هر جای دیگر با
نقشه های آمریکا مخالفت می ورزیدند و، در
همان هنگام، رنجش عمومی از
ایالات متحده در میان کشورهای عربی به
بالاترین حد خود رسیده است.

با در نظر گرفتن نتایج یک بررسی
همایشی که در اواخر فوریه و اوایل مارس
توسط Zogby Internation در شش
کشور عربی عربستان سعودی، مصر، اردن،
مراکش، امارات متحده عربی و لبنان انجام
شد، فقط ۴ درصد سعودی ها، ۶ درصد

ملی‌گرایی

آنچه قابل توجه می‌باشد این است که رهبرانی که بالاترین رتبه را آورند، تقریباً همگی دارای ایدئولوژی غیراسلامی هستند و حلقه مشترک موجود میان آنها این است که تصور می‌شود آنها ملی‌گرا و مبارزه‌جو بوده‌اند. در میان این افراد می‌توان نام رییس جمهوری گذشته سوریه یعنی حافظ اسد و یاسر عرفات، رهبر فلسطین را مشاهده کرد.

یافته مهم دیگر این که هر هفت پاسخگو از میان ده نفر، مسئله فلسطین را به عنوان تنها مهمترین مسئله و یا در میان سه مسئله مهم برمی‌شمردند و تصور اکثریت این بود که این مسئله در شکل‌گیری نگرش آنها نسبت به ایالات متحده از اهمیت زیادی برخوردار است. در میان نگرشهای اعراب، یک مورد عدم اعتماد عمیق آنها از مقاصد آمریکا در منطقه است، و بهترین مورد قابل اشاره همانا نگرشی عمومی به سیاست ایالات متحده در عراق است.

اکثریت قاطعی در تمام این شش کشور اظهار داشتند که آنها باور نمی‌کنند که انگیزه ایالات متحده تمایل به برقراری

دموکراسی در خاورمیانه و یا ارتقای صلح و توسعه اقتصادی در این منطقه باشد. بیش از ۸۰ درصد پاسخگویان اظهار داشتند که نفت انگیزه فوق‌العاده مهمی برای ایالات متحده است و بیش از ۷۰ درصد اظهار داشتند که حمایت از اسرائیل عامل فوق‌العاده مهمی در شکل دادن سیاست ایالات متحده در مقابل عراق است. همچنین، اعراب بحثهای آمریکا مبنی بر اینکه پس از جنگ با عراق خاورمیانه صلح‌آمیزتر و دموکراتیک‌تر خواهد بود و یا تروریسم کاهش خواهد یافت را قبول ندارند. برعکس، بیش از دوسوم پاسخگویان در تمام این شش کشور که مورد بررسی قرار گرفته، معتقدند که خاورمیانه حتی کمتر دموکراتیک خواهد شد.

حتی افراد بیشتری در منطقه معتقدند که پس از جنگ عراق، خاورمیانه کمتر صلح‌آمیز خواهد شد و بیش از ۸۰ درصد معتقدند که جنگ، تروریسم بیشتری را نسبت به قبل تولید خواهد کرد. با در نظر گرفتن این احساسات، درک این مسئله زیاد سخت نیست که چرا اغلب اعراب با سیاست ایالات متحده در قبال عراق

به طور فزاینده ای به سازمان ملل به مثابه چالشی برای تعقیب منافع جهانی آمریکا می نگرند؛ اغلب افراد در خاورمیانه هنوز مشاهده می کنند که ایالات متحده بر سازمان جهانی تسلط دارد. مضحک این است که با شکست ایالات متحده در جلب حمایت سازمان ملل برای جنگ در عراق، بسیاری از آمریکایی ها این سازمان را به طور فزاینده ای بی ربط می دانند. در حالی که در خاورمیانه اغلب اعراب مبارزه جویی سازمان ملل را به مثابه ظهور مرتبط بودن آن تلقی می کنند.

به روشنی می توان دید که بعضی از این نگرشها نسبت به ایالات متحده، جنگ یا عراق و نقش سازمان ملل، به کشورهای عرب یا مسلمان محدود نمی شود. در بعضی از کشورها مثل بریتانیا، افکار اکثریت به شدت از رهبرانشان متفاوت است، درست به همان نحو که در بعضی از کشورهای عربی نظرات مردم با رهبران تفاوت دارد.

افزایش سرکوب

در خاورمیانه شکاف میان رهبران و مردم آنها به ویژه، نتیجه مهمی است که

مخالفت می کنند. قابل توجه اینکه، آرا نشان می دهد اغلب اعراب، حتی اگر بغداد با ناظران سازمان ملل متابعت نکند و یا سازمان ملل دریابد که عراق سلاحهای کشتار جمعی خود را پنهان می کند، مخالف جنگ با عراق هستند. حتی اگر عملیات نظامی هم توسط ایالات متحده صورت گیرد، مخالفت همچنان قوی خواهد بود، و اگر عملیات نظامی به تنهایی توسط ایالات متحده صورت گیرد، مخالفت با آن بیشتر خواهد بود؛ به طوری که از هر ۱۰ نفر، ۹ نفر مخالف آن هستند.

به عبارتی دیگر، اگر جنگ در پوشش سازمان ملل صورت بگیرد، در جلب حمایت کنندگان تفاوت کوچکی به وجود می آورد، اما در مجموع اطمینان موجود در مخالفت عمومی را تغییر نمی دهد.

در منطقه نقش سازمان ملل در مشروعیت بخشیدن به یک جنگ به طور عمده از اهمیت کمتری برخوردار است؛ زیرا اغلب افراد در سالهای اخیر عادت کرده اند که سازمان ملل را به عنوان ابزار قدرت ایالات متحده بنگرند. بنابراین، آمریکایی ها

بیانگر دردسرها فقط برای منطقه، بلکه همچنین برای ایالات متحده می‌باشد. بنابراین، می‌توان دریافت چرا هنگامی که ایالات متحده از دولتهای عرب می‌خواهد تا از سیاستهای ناخوشایند آن حمایت کنند، تقریباً همیشه نتیجه چیزی نیست جز افزایش سرکوب؛ زیرا دولتها ترس آن دارند که عموم خشمگین شوند و سرویسهای امنیتی را برای پیش‌دستی در مخالفت تحت فشار قرار دهند. و این داستانی است که در تمام منطقه، به ویژه در زمانهای بحرانی تکرار شده است. اما نتایج مدت طولانی بعد از این بحرانها دوام می‌آورد؛ زیرا دولتها به جای آن سرویسهای امنیتی بزرگتری را قرار می‌دهند که به واسطه آنها تمایل به شدت عمل نسبت به مخالفتها به هنگام احساس تهدید، از طریق محرکهای مالی و نظامی که از طریق ایالات متحده برای کسب حمایت نسبت به سیاستهای پیشنهاد می‌شود، تشدید می‌گردد و بخش عمده آن برای تشدید بوروکراسیهای امنیتی دولتها در منطقه مصرف می‌شود. در عین حال، رضایت آمریکایی‌ها برای شدت عمل ناشی از این ترس گسترش‌یابنده است که

گشایش فضای باز سیاسی می‌تواند منجر به پیدایش دولتهای انتخابی شود که نسبت به سیاست خارجی ایالات متحده کمتر نگاهی دوستانه دارند. در میان این مخالفان می‌توان از گروههای اسلام‌گرا نیز یاد کرد. دلایل چندانی وجود ندارد که باور کنیم دولتهای عربی اکنون در مقابل کسانی که با سیاستهایشان مخالفت می‌کنند، به شکل متفاوتی عمل کنند. در حقیقت ممکن است در این ایام دولتها دلایل بیشتری برای عصبی بودن داشته باشند. یک نتیجه قطعی تحقیق اخیر این است که اکثریت پاسخگویان در بسیاری از کشورهای مورد بررسی اظهار داشته‌اند که آنها مشتاقند تا روحانیون نقش بیشتری را نسبت به زمان حال در سیاستهای اعراب بازی کنند. اگرچه دولتها در گذشته در جلوگیری از نارضایتی عمومی مؤثر بودند و بخشی از این کار به دلیل کنترل اطلاعات درباره مخالفتی که با آن روبه‌رو بودند، صورت می‌گرفت، اما شواهدی وجود دارد که تعداد فزاینده‌ای از شهروندان اخبار خود را امروزه از منابع خارج از مرزها کسب می‌کنند. برای مثال در مصر، در بررسی که دو سال پیش به

اجرای آن مبادرت کردم، فقط تقریباً ۸ درصد از افراد اشاره داشتند که دارای تلویزیون ماهواره ای هستند که امروزه ۴۶ درصد آنها می گویند که به چنین وسایلی دسترسی دارند.

نتیجه خاص این پدیده این است که اقدامات دولت کمتر مؤثر است؛ زیرا عامه اعراب اطلاعات خود را از بسیاری از منابع خارج کسب می کنند که بسیاری از افراد

مورد پرسش این اطلاعات را «عینی تر» و «قابل اعتمادتر» برمی شمردند. این منابع، دانشگاههای تلویزیونی ماهواره ای الجزیره در قطر را شامل می شود که دارای آن مقدار استقلال و آزادی هست که نمی توان آن را با هویت مشخصه ایستگاههای اداره شونده توسط دولت، هماهنگ داشت. معنای چنین فرایندی این است که امروزه اطمینان کمتری نسبت به این مسئله دارند که این توان را داشته باشند که افکار عمومی را اداره کنند و بنابراین میزان خشم عمومی را محدود سازند.

دولتها؛ از جمله دولت خودمان

(دولت مصر)، شرط می بندند که از این

هوسها جلوگیری خواهد شد و خاورمیانه

شدت عمل در مورد مخالفتها

یک دلیل احتمالی برای اینکه چرا

دنیای حکومت‌هایی خواهد ماند با نهادهای امنیتی قدرتمند و آنها دوباره خواهند توانست غالب بشوند. تمام مصاحبه‌ها به صورت رودررو در تمام مدت ماه ژوئن و اوایل جولای ۲۰۰۱ صورت گرفت. سؤالات و جداول به شرح ذیل بود.

اگر تاریخ یک هدایتگر باشد، به رغم انقلاب اطلاعات شرط اطمینان بخش خواهد بود. اگر آنها شرط را بپذیرند، نتیجه روشن است؛ یعنی سرکوب بیشتر و دموکراسی کمتر. ممکن است از همه مضحکتر این باشد که تضعیف غیر قابل قبول عامه مردم در منطقه آن هم هنگامی که نیاز مند و خواستار حمایت دولتهای غرب هستیم، احتمالاً یکی از اهداف اعلام شده ما برای رفتن به جنگ یعنی گسترش دموکراسی را تخریب خواهد کرد.

حدود بررسیها

بررسی انجام شده توسط «شبلی تلهامی»^(۱) با تکیه بر سؤالات طراحی شده توسط او در پنج کشور عرب صورت گرفت. براساس این بررسی، ۴۰۰ نفر در امارات عربی متحده، ۵۰۰ نفر در لبنان، ۷۰۹ نفر در مصر، ۳۵۸ نفر در کویت و ۷۰۵ نفر در عربستان سعودی مورد پرسش قرار گرفتند.

۱. شبلی تلهامی استاد صلح و توسعه در دانشگاه مری لند و همکار برجسته «هوت بروگینزه» است.

۱. در مقایسه با پنج سال گذشته، آیا شما اکنون خوش بین تر هستید، کمتر خوش بین هستید و یا همان احساس گذشته را دارید؟

بیشتر خوش بین	کمتر خوش بین	احساس گذشته را دارم	مطمئن نیستم	
درصد	درصد	درصد	درصد	در مجموع
۱۷	۵۷	۲۴	۲	لبنان
۲۲	۵۷	۱۷	۵	کویت
۲۳	۴۹	۲۵	۴	امارات متحده عربی
۲۲	۴۲	۲۵	۱۰	عربستان سعودی
۴۲	۴۱	۱۴	۴	مصر

۲. آیا به هنگام تماشای تلویزیون احساس هم دردی (هم فکری) بیشتری دارید، کمتر احساس هم دردی می کنید و یا احساس گذشته را دارید؟

جدول شماره ۲. هم دردی نسبت به هم نوع عرب

هم دردی بیشتر	هم دردی کمتر	احساس گذشته را دارم	مطمئن نیستم	
(درصد)	(درصد)	(درصد)	(درصد)	
۴۳	۲۵	۲۱	۰	مجموع
۷۶	۶	۱۵	۴	لبنان
۸۷	۳	۹	۲	کویت
۴۷	۲۳	۲۴	۶	امارات متحده عربی
-	-	-	-	عربستان سعودی
-	-	-	-	مصر**

** در نظرسنجی پرسشی به عمل نیامده است.

۳. در مقایسه با پنج سال پیش، آیا احساس می کنید تفاوت میان اعراب اکنون بیشتر شده است، کمتر شده است، و یا همانند گذشته است؟

جدول شماره ۳. تفاوت میان اعراب

مطمئن نیستم (درصد)	مانند گذشته است (درصد)	کمتر شده (درصد)	بیشتر شده (درصد)	
				مجموع
۱	۲۶	۴۱	۳۲	لبنان
۲	۳۰	۲۷	۴۱	کویت
۱	۲۴	۲۹	۴۶	امارات متحده عربی
۷	۲۳	۳۱	۴۰	عربستان سعودی
-	-	-	-	مصر**

** در نظرسنجی پرسشی به عمل نیامده است.

۴. مسئله فلسطین برای شخص شما چقدر اهمیت دارد؟

جدول شماره ۴. اهمیت مسئله فلسطینی ها

اطمینان ندارم درصد	در میان پنج مسئله مهم قرار دارد	در میان سه مسئله مهم قرار دارد (درصد)	مسئله بسیار مهمی است (درصد)	
				مجموع
۶	۷	۲۴	۶۳	لبنان
۴	۷	۳۰	۵۸	کویت
۱	۱۰	۲۷	۵۹	امارات متحده عربی
۴	۹	۳۰	۶۳	عربستان سعودی
۳	۴	۱۲	۷۹	مصر

این نظرسنجی توسط زوکبی انترنشنال سفارش داده شد. حاشیه خطا (MOE) برای امارات متحده عربی %۵، برای لبنان %۴،۵، برای مصر %۳،۸، برای کویت %۵،۴، و برای عربستان سعودی %۳،۸ بود و البته حاشیه خطاها در باره گروهها بیشتر بودند.